

خجسته باد هشتم مارچ

نماد مبارزه علیه یک تاریخ اسارت

یک سده از آغاز پیکار سازمان یافته زنان جهان برای رهایی از اسارت، ستم و نا برابری سپری می گردد.

از سال های آغازین سده بیستم، زنان جهان در تداوم مبارزه جانبازانه کارگر زنان امریکا برای حق رای و مزد مساوی با مردان و بهبود شرایط کار - که به سرکوب خونین انجامید- از روز هشتم مارچ روز بین المللی زنان، به حیث نماد تکاپوی خسته گی ناپذیر، درد ناک و طولانی زنان برای برابری و عدالت و علیه فرو دستی و نا برابری جنسی و اجتماعی تجلیل میکنند .

زن در طول زمانه ها زیر بار روابط اسارت بار اقتصادی - اجتماعی و معنویت های حاکم مرد سالار مورد انواع ستم قرار داشته است .

زن در نظام های مبتنی بر مالکیت و بهره کشی به حیث فرو دست ترین وسیله تولید و ابزار ساده لذت و تداوم نسل - باز هم برای «تولید» بهره دهان دیگر - سلب هویت گردیده و در موقف « جنس مونث » در جامعه و خانواده مورد بهره کشی، اهانت و تحقیر قرار گرفته است، از این رو رهایی کامل زن از قید و بند اسارت و نا برابری اجتماعی بدون دگرگونی بنیادی در ساختار روابط اقتصاد - اجتماعی جامعه که به رهایی همه انسانها از اسارت و بهره کشی بیانجامد امر نا ممکن است .

در طول یک سده از آغاز جنبش سازمان یافته زنان، این جنبش مراحل دشواری را سپری کرده و به دست آورد های افتخار آمیزی نایل آمده است . شعار های برابری طلبانه مراحل آغازین جنبش که در چند شعار ساده خلاصه میشدند در جریان یک

قرن ، ژرفها و پهنای بیشتر کسب کرده و دیگر صرفاً به تقاضای ساده حق رای و مزد مساوی با مردان خلاصه نمیشوند .

جنبش برابری طلبانه زنان در عصر ما بنیاد ستم و نابرابری را به حیث اماج مبارزه خود مطرح کرده و شعارها و خواست های بنیادین را برای دگر گونیهای رادیکال در عرصه های اقتصادی اجتماعی در برابر خود قرار داده است .

جنبشهای زنان چپ در جوامع پیشرفته سرمایه داری و چپ در کشورهای پیرامونی ایجاد تغییرات در نظم نا برابر جهانی، مبارزه علیه مظاهر خانه بر باد کن جهانی شدن، ایستادگی در برابر سیاست های اسارت بار نهاد های جهانی سرمایه داری ، تحفظ محیط زیست و مبارزه علیه هار ترین و لجام گسیخته ترین لایه های حاکم سرمایه داری جهانی را در صدر وظایف خود قرار داده اند .

امروزه جنبش های زنان یکی از اجزای نیرو مند و فعال جنبش داد خواهانه جهانی علیه سرمایه داری نیو لیبرال و جهانی شدن را تشکیل میدهند .

زن در کشور ما ، سرنوشت به مراتب غم انگیزتری از مردان داشته است، زن افغان در پهنای تاریخ زیر ستم چند گانه کمر خم کرده و بار بهره کشی اسارت و تحقیر را بر شانه های نحیف خود حمل کرده است .

ساختار عقب مانده سنتی - قبیله یی، نظام بهره کشی استبدادی و معنویت حاکم زن ستیز مرد سالار، زن افغان را بیشتر از همجنسان او در جهان در چنبره وحشت و خشونت و بهره کشی فشرده است .

نگاهی کوتاه به زنده گی درد ناک زن افغان فقط در دو دهه گذشته، باز گویای درد و رنج تمام تاریخ زن افغان است .

وحشتی که جهادیان « راه خدا » و طالبان در حق زن افغان روا داشته اند در تاریخ معاصر جهان بی نظیر است، آنان زن افغان را از حقوق و آزادی های نسبی که در فرجه های دو سه دهه قبل از آن بدست آورده بودند محروم کردند، آنان را از حق زندگی باز داشتند و دروازه های تحصیل و دانش را به روی آنها بستند.

در شرایط پسا طالبانی نیز دگرگونی در وضع زن ستم کشیده افغان رو نما نگردید یکی از افتخارات نیرو هایی که « دموکراسی » و « آزادی » را به افغانستان به ارمغان

آوردند رهایی بخشیدن زن افغان بود . بعد از اشغال کشور، آنان در سراسر جهان به این سرنا دمیدند، که گویا به یکی از اهداف شان که رهایی زن افغان بوده نایل آمدند ،ببینیم چی تغییری در زندگی زن افغان رخ داده است ؟

زن افغان هنوز هم از ابتدایی ترین حقوق خود محروم است ،هنوز هم مرد صاحب نفس اوست، هنوز هم در موقعیت جنس ثانوی به قیم نیاز مند است ، هنوز هم بدون محرم شرعی حق سفر ندارد، هنوز هم در انتخاب لباس مخیر نیست ، هنوز هم برابر نصف مرد حق شاهی دارد ، هنوز هم در انتخاب ادامه و فسخ زندگی مشترک با مرد مختار نیست، هنوز هم نمیتواند مقام قضا را اشغال کند ، هنوز هم برای نجات از ظلم و بی عدالتی صد ها صد ها خود را به آتش میکشد و...

دگر گونی های نمایشی که در پنجسال گذشته در برخی عرصه ها از جمله « بهبود» وضع زنان رخ داده به هیچ صورت بیانگر شرایط واقعی زندگی زنان کشور نیست .نمایش چند زن در ویتترین پارلمانواره کشور و یا توظیف چند زن در پستهای کم اهمیت بیروکراسی دولت، فقط به منظور مصرف خارجی انجام شد است.

در این پنجسال علی الرغم هیاهوی بسیار، هیچ قانونی برای حمایه زن در عرصه های خانواده، کار، امنیت قضایی و غیره عرصه ها وضع نگردیده است، نظام قضایی کشور همچنان بر مدار احکام و ارزشهای زن ستیزانه میچرخد. در مناطق غیر شهری، قیم و صاحب دیگری بر قیمها و صاحبان زن افزوده شده و آن فرمانده جهادی است که نفس و آزادی مردان و زنان را در دست داشته و زنجیر اسارت زن را تنگتر کرده است .

اینها حقایق درد ناکی اند که لاف زنی های بی پشتیوانه حاکمان کشور و « ناجیان » خارجی ما را به چالش کشیده اند .

ما بر آنیم، که رهایی زن از زیر بار ستم تاریخی و تسجیل برابری او در همه عرصه های زندگی با مردان را نمیتوان با اقدامات نمایشی – فصلی به انجام رسانید، ما عقیده داریم که فقط با مبارزه فعال ، پیگیر و آگاهانه و در متن مبارزه جمعی مردان و زنان برای رهایی کامل از بهره کشی و ستم میتوان به اهداف دادخواهانه از جمله رهایی و برابری زنان دست یافت . در طرح مرامنامه حزب مردم افغانستان، به درستی تأکید شده است که : « شرکت آگاهانه زنان ... در تمام عرصه های زندگی جامعه امکان رفع ستم اجتماعی را به وجود می آورد » .

بدون مبارزه آگاهانه و متشکل فرآروی از وضع ستمگرانه موجود نا ممکن است ، ما زنان آزاده وطن را فرا میخواستیم تا با آگاهی و تشکل یک جا با جنبش دموکراتیک کشور برای به سر انجام رسانیدن وظایف رهایی و برابری زن متشکل شوند .

نهضت آینده افغانستان به حیث پیگر ترین نیروی چپ دموکراتیک با همه توان از خواست رهایی طلبانه و برابری خواهانه زنان کشور حمایت میکند و نیل به آن را یکی از اهداف عمده مرامی خود میداند .

مبارزان نهضت آینده افغانستان هشتم مارچ را به همه زنان کشور و جهان شاد باش میگویند.

www.ayenda.org